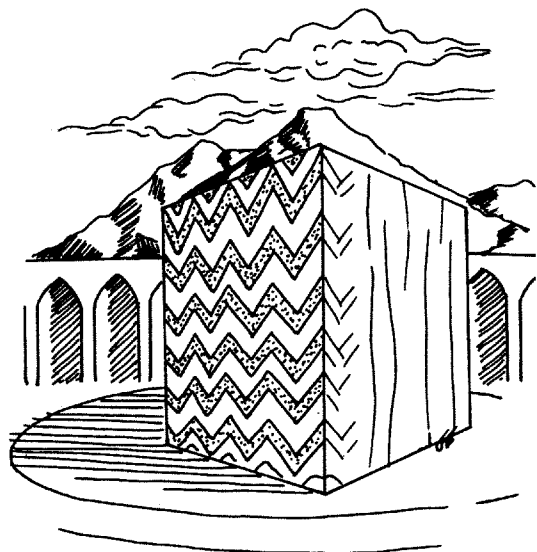


جامه کعبه در دوران عثمانی



محمّد الدقن / هادی انصاری

کوشش سلطان سلیم اول دربارهٔ جامهٔ شریفه:

همچنانکه در بخشهای پیش گفتیم، آخرین جامهٔ کعبه در دوران ممالیک، همان جامه‌ای بود که از توسط سلطان «اشرف طومان بای» در سال ۹۲۲ هـ. ق. فرستاده شد. سپس سلطان «سلیم اول عثمانی» با گسترش نفوذش بر مصر و ورودش به قاهره در محرم سال ۹۲۳ هـ. ق، خود را به «خادم الحرمین الشریفین» ملقب ساخت و بدان فخر می‌کرد. نویسندهٔ «الاعلام» در این باره می‌گوید: «هنگامی که سلیم بر «قانسوه غوری» پیروز شد، به حلب وارد گردید و آنگاه که گفتهٔ سخنران را در تعریف و تمجید خود شنید که می‌گوید: «خادم الحرمین الشریفین»، به درگاه الهی سجدهٔ شکر گزارد و گفت: «پروردگار را شکر گزارم که به من افتخار خادم الحرمین الشریفین را ارزانی داشت». آنگاه خیرات و برکات فراوانی را به ساکنان حرمین روا داشت و از ملقب شدنش به خادم الحرمین اظهار خرسندی و شادمانی نمود»^۱.

از آن پس سلطان سلیم اول، به هنگام اقامت خویش در مصر، اهتمام ویژه‌ای به تهیهٔ جامهٔ کعبهٔ مشرفه و نیز پردهٔ ضریح پیامبر ﷺ و ابراهیم خلیل عليه السلام از خود نشان داد؛ همچنانکه پردهٔ تازه‌ای را برای محمل ساخت و نام خود را بر روی آن، که به درجهٔ والایی از زیبایی و آذین رسیده بود، نوشت.

سلطان سلیم دو روز پیش از حرکت خود؛ یعنی در تاریخ ۲۱ شعبان سال ۹۲۳ هـ. ق.،

مجلس جشنی به پا کرد و جامه‌های یادشده را در آن به معرض نمایش گزارد. (و قاهره را در ۲۳ شعبان سال ۹۲۳ ه. ق. ترک کرد).

ابن ایاس می‌گوید: «در دوشنبه بیست و یکم شعبان ۹۲۳ ه. ق. سلطان سلیم شاه، جامه کعبه شریف و جامه مرقد پیامبر ﷺ و ضریح حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را (در متن این‌گونه آمده است) ^۲ به نمایش گذاشت؛ همچنانکه جامه‌ای برای محمل شریف نیز ساخت. نامبرده به خلاف عادت، کوشش ویژه‌ای نسبت به جامه کعبه از خود نشان داد و آذین زیبایی را بر پرده در کعبه قرار داد که در نتیجه، آن را به درجه‌ای والا از زیبایی رسانید. و نیز به هنگام ساخت جامه محمل، از هیچ کوششی دریغ ننمود.» ^۳

عثمانیان در آن سال (۹۲۳ ه. ق.) اهمیت فراوانی به جامه کعبه از خود نشان دادند؛ به طوری که پس از خروج «سلطان سلیم» از مصر، سه جشن دیگر برگزار نمودند.

در جشن نخستین که در روز دوشنبه، ۱۲ رمضان سال ۹۲۳ ه. ق. برگزار شد، جامه شریف را به میان خیابان‌های قاهره آورده و طی مراسم باشکوهی آن را در معرض دید همگان قرار دادند، سپس آن را به سوی قلعه، جایگاه بزرگ امرا خایر یک برده و به دید وی رسانیدند، از آن پس جامه را به جایگاه اصلی خویش بازگرداندند.

مراسم جشن دوم، در روز دوشنبه، ۱۹ ماه رمضان سال ۹۲۳ ه. ق. یعنی یک هفته پس از سپری شدن از مراسم جشن اول، آغاز نمودند. در این مراسم، جامه را به میان خیل عظیم برگزار کنندگان جشن در خیابان‌های قاهره آورده و به سوی میدان «ریدانیه» آن را به حرکت درآوردند. و در روز دوشنبه ۱۷ شوال سال ۹۲۳ ه. ق. مراسم دیگری برای خروج محمل و گردش آن در خیابان‌های قاهره به سوی «ریدانیه» آغاز گردید که از آن پس کاروان محمل به همراه جامه شریف عازم سرزمین مقدس شد.

در مراسم جشن‌های سه‌گانه، قضات چهارگانه و اعیان و دست‌اندرکاران دولتی و نیز سربازان عثمانی و گروه‌های طبال و موسیقی و زنبورکچی‌ها شرکت داشتند، که علاوه بر آن، تمامی اقشار ملت نیز در جشن‌های یادشده حضور یافتند.

ابن ایاس به هنگام یاد از جشن‌های آن سال، چندین صفحه قلم‌فرسایی کرده است ^۴ که ما به هنگام سخن از آن مراسم جشن، در بخش ویژه‌ای به نام برپایی مراسم جشن برای جامه شریفه به تفصیل یاد خواهیم کرد، ان شاء الله تعالی.

وقف سلطان سلیمان قانونی بر جامه شریفه:

هزینه جامه كعبه مشرفه، از وقفی كه بدین منظور از سوی ملك صالح اسماعیل قرار داده شد، همه ساله از مصر ارسال می گردید. این وضع همچنان تا دوران سلطان «سلیمان قانونی» ادامه داشت، لیکن در این هنگام به علت ضعف مالی وقف یادشده و کاهش درآمد آن، امکان رسیدگی كامل به جامه تقلیل یافت و در نتیجه، وظایف لازمه نمی توانست آنچنان كه باید انجام گیرد. این وضعیت به آگاهی سلطان سلیمان قانونی رسانده شد و نامبرده طی فرمانی دستور داد كه هزینه های ساخت جامه از خزانه سلطنتی در مصر تأمین گردد. سپس در سال ۹۴۷ ه. ق.، هفت دهكده دیگر مصری را خریداری كرد و به سه دهكده وقف شده پیشین اضافه نمود كه در نتیجه وقف یادشده به ده دهكده رسید. از آن پس درآمد دهكده های یادشده صرف تهیه و ساخت جامه شریفه می گردید كه این وقف خود به عنوان پشتوانه نیکویی برای جامه در آمد.^۵

بدین ترتیب تعداد دهكده های وقف شده، همچنانكه در متن وقف نامه سلطان سلیمان قانونی آمده، به ده دهكده مصری رسید.

دهكده های یادشده عبارتند از:

۱ - بیسوس (در كتاب عربی ص ۹۵)؛ دهكده ای است كه هم اکنون به نام (باسوس) شناخته می شود و از توابع استان قلیوبیه است.

۲ - ابوالغیث؛ در این زمان به «ابوالغیث» نامبردار است و در مركز «قلیوب» در استان «قلیوبیه» واقع است.

۳ - حوض بقمص؛ همان «حوض بقیس» کنونی است كه در بخش «مرصفا» از توابع «بنها» در استان «قلیوبیه» واقع است.

۴ - سلكه؛ یکی از دهكده های «المنصوره» در استان «دقهلیه» به شمار می آید.

۵ - سرو بجنجه؛ بهتر آن است كه «سرو بجنجه» نامیده شود و آن دهكده ای است كه هم اکنون به «سرو» مشهور است و از توابع «فارسكور» در استان «دقهلیه» به شمار می آید.

۶ - قریش الحجر؛ دهكده ای است در «المنصوره» استان «دقهلیه» كه هم اکنون به «أویش الحجر» شهرت داد.

۷ - منايل و كوم رحان؛ دهكده ای است در مركز «شبین القناطر» از استان «قلیوبیه» كه

هم اکنون به «المنایل» مشهور است.

۸- **بجام**؛ امروزه از توابع «شبرالحیمه» در استان «قلیوبیه» است.

۹- **منیة النصری**؛ دهکده‌ای است در مرکز «دکرنس» از استان دقهلیه که به «منیة النصر» نامور است.

۱۰- **بطالیا**؛ در صورت وقف، از این دهکده در بخش مرکزی شرقی یادگردیده است، در صورتی که جزو این بخش نیست. نام‌های دیگری نزدیک به آن در استان‌های دیگر وجود دارد؛ مانند «طالیا» که یکی از دهکده‌های مرکز «اشمون» در استان «المنوفیه» بوده است. همچنانکه در قدیم دهکده دیگری به نام «بتالی» در استان «الغریبه» وجود داشته که در این زمان نمی‌توان به موقعیت دقیق آن دست یافت.^۶

در آن هنگام، پس از وقف ده دهکده یاد شده، درآمد آن برآورد گردید و بدین ترتیب در صورت وقف‌نامه یاد شده در آن سال آمده است:

اول - درآمد سالانه دهکده‌های سه گانه (بیسوس، أبو الغیث و حوض بقمص) برابر است با مبلغ ۸۹۰۰۰ درهم.

دوم - درآمد سالانه دهکده «سلکه» برابر است با مبلغ ۳۰۹۴۴ درهم.

سوم - درآمد سالانه دهکده «سیر و بجنجه» مبلغ ۷۱۸۲۰ درهم است.

چهارم - درآمد سالانه دهکده «الحجر» برابر با مبلغ ۵۱۳۰۴ درهم می‌باشد.

پنجم - درآمد سالانه دهکده «منایل و کوم رحان» برابر است با مبلغ ۳۷۸۴۰ درهم.

ششم - درآمد سالانه دهکده «بجام» مبلغ ۱۴۹۳۴ درهم می‌باشد.

هفتم - درآمد سالانه دهکده «منیة النصری» برابر است با مبلغ ۶۰۸۵۸ درهم.

هشتم - درآمد سالانه دهکده «بطلیا» مبلغ ۱۰۴۸۴ درهم می‌باشد.

بنابراین، مجموع درآمد سالانه وقف یاد شده، برابر است با ۳۶۵۱۵۲ درهم نقره.

در وقف‌نامه یاد شده، استفاده از درآمد را به صورت تقریبی بدین صورت تعیین کرده‌اند:

الف - هر سال مبلغ ۲۷۶۲۱۶ درهم از آن را مانند سال‌های گذشته صرف تهیه‌ی جامه‌ی

بیرونی کعبه نموده و باقی درآمد سالیانه را، که تقریباً مبلغی معادل ۸۸۹۳۶ درهم می‌باشد، نزد ناظر وقف به مدت پانزده سال قرار دهند. بنابراین، مبلغ یاد شده پس از این مدت، تقریباً برابر



با ۱۳۳۴۰۴۰ درهم می‌باشد.

ب - از مبلغ جمع شده، هر پانزده سال یکبار مبلغی حدود ۷۵۰۳۷۰ درهم را هزینه ساخت جامه و پرده‌های درون کعبه مشرفه و حجره نبوی شریف و ضریح مبارک در حرم شریف و منبر و محراب تهجد و نیز پرده‌های چهارگانه حرم شریف و محراب ابن عباس و قبر وی و نیز قبر عقیل بن ابی طالب و (حضرت امام) حسن بن علی علیه السلام و عثمان بن عفان و فاطمه بنت اسد می‌رساندند.

ج - مازاد آن را، که مبلغی حدود ۵۸۳۶۷۰ درهم می‌باشد، در اختیار ناظر وقف قرار می‌دادند تا وی برای رفع گرفتاری‌ها و مشکلاتی که گاه در نتیجه کمبود آب نیل و یا خشکی آن به وجود می‌آید، هزینه کند. در صورتی که پانزده سال گذشته و مبلغ یادشده افزایش یابد، موظفند که املاک را خریداری کرده و ضمیمه وقف یاد شده بنمایند تا در نتیجه درآمد این وقف، پیوسته به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد.

گفتنی است در وقف‌نامه جامه کعبه، به وقف دیگری نیز اشاره شده است، که این وقف از سوی «سلطان سلیمان قانونی» برای کمک به حاجیان بی‌بضاعت، به هنگام سفرشان برای انجام فریضه حج و بازگشت از آن تعیین گردیده است.

در وقف‌نامه جامه کعبه قید شده است: اگر در هر یک از دو وقف یادشده مشکلی پیش آید، می‌توانند از مازاد وقف دیگر بر این وقف استفاده نمایند.^۷

لازم به یادآوری است علاوه بر وقفی که از سوی سلطان سلیمان قانونی در مصر بر جامه بیرونی کعبه در هر سال و بر جامه درونی کعبه و جامه حجره شریف نبوی و دیگر جامه‌ها - که پیش از این از آنها نام بردیم -، هر پانزده سال یکبار قرار داده شد، پادشاهان آل عثمان نیز هر یک جامه‌ای را برای درون کعبه و جامه حجره نبوی شریف، به هنگام رسیدن به سلطنت، بدان ارسال می‌داشتند؛ همچنانکه علاوه بر آن شمع‌های بزرگ و کوچک را که با آن، کعبه و سایر مقامات مسجدالحرام و نقاط متبرک این سرزمین را روشن می‌کردند، ارسال می‌داشتند. آنان افزون بر این، عطرهای گوناگون و گلاب و عطر آن و عنبر و جز این‌ها را نیز می‌فرستادند.

همچنین طناب‌هایی که جامه کعبه را بدان استوار می‌ساختند، به همراه سایر موارد گذشته، همه‌ساله به این دیار گسیل می‌کردند. مصر با دارا بودن ویژگی ارسال جامه بیرونی

کعبه در هر سال، تا سال ۱۱۱۸ ه. ق. پارچه‌های جامهٔ بیرونی و درونی کعبه را می‌بافت. لیکن در این سال به فرمان «سلطان احمد سوم» فرزند «سلطان محمد چهارم» (عثمانی) جامهٔ درونی را در استانبول بافت و به‌عنوان اولین سالگرد فرمانروایی خویش در استانبول، آن را در سال بعد، از راه مصر به مکه فرستاد.

از آن هنگام استانبول، بافتن جامهٔ درونی کعبه را به خود اختصاص داد و پادشاهان آل عثمان به همان صورت جامهٔ یاد شده را ارسال می‌کردند تا این‌که دوران سلطنت عبدالعزیز بن سلطان محمود دوم فرا رسید و آخرین جامه را او فرستاد و پس از آن دولت عثمانی از ارسال جامهٔ درونی کعبه خودداری کرد. بنابراین، جامهٔ فرستاده شده از سوی سلطان عبدالعزیز به هنگام جلوس بر کرسی سلطنت در سال ۱۲۷۷ ه. ق.^۸ تا سال ۱۳۵۵ ه. ق.، همچنان باقی ماند. در این سال «ملک عبدالعزیز آل سعود»، درون کعبه را با جامه‌ای که از سوی پادشاه بهره در هند ارسال گردیده بود، پوشانید.

در سال ۱۳۶۳ ه. ق. ملک عبدالعزیز آل سعود فرمان داد جامهٔ دیگری برای درون کعبه، مهیا کنند که در سال یادشده این جامه در درون کعبه نصب شد.^۹

توقف ارسال جامه از مصر به هنگام حملهٔ فرانسویان به آن

جامهٔ کعبه در طول دوران عثمانی، همه ساله از محل درآمد اوقاف یادشده از مصر ارسال می‌گردید. هنگام تصرف مصر به وسیلهٔ فرانسویان، ارسال جامه در طول سال‌های ۱۲۱۳، ۱۲۱۴ و ۱۲۱۵ ه. ق. انجام نگرفت.

«جبرتی» که خود معاصر آن دوران بوده، از شرایط و مقتضیات آن دوران که منجر به توقف ارسال جامه از مصر به کعبه مشرف گردید، سخن گفته است.

وی در این باره، از آمادگی جامهٔ کعبه و جشن حرکت آن در سال ۱۲۱۳ ه. ق. مطالبی آورده و از کوشش فرانسویان به فرماندهی «مینو» در ارسال جامه در سال ۱۳۱۵ ه. ق. نیز نوشته است.

جبرتی به بیان جشن حرکت کاروان جامه در سال ۱۲۱۳ ه. ق. در خیابان‌های قاهره پرداخته و از چگونگی حرکت والی و خزانه‌دار و مردان طُرُق صوفیه در پیشاپیش کاروان و نیز از چگونگی حرکت سربازان و طبالان و گروه موزیک در اطراف آن، که پیش از آن کاروان



جامه هیچگاه این چنین شکوهی را به خود ندیده بود، به تفصیل مطلب نوشته و گفته است: «در هشتم شوال ۱۲۱۳ ه. ق. که مصادف با روز جمعه بود، در بازارها از حرکت کاروان جامه کعبه مشرفه از «قرامیدان» ندا داده شد که پیش از آن کاروان جامه هیچگاه این چنین شکوهی را به خود ندیده بود، به تفصیل مطلب نوشته و گفته است:

«در هشتم شوال ۱۲۱۳ ه. ق. که مصادف با روز جمعه بود، در بازارها به حرکت کاروان جامه کعبه مشرفه از «قرامیدان» ندا داده شد و مردم را به رعایت حرکت دسته‌جات، دارندگان علم‌ها و کتل‌ها و جلوگیری از بی‌نظمی فراخواندند، و در بامداد روز شنبه خیل جمعیت در بازارها و خیابان‌ها و گذرگاه‌ها در انتظار عبور کاروان به هم پیوستند و در این هنگام کاروان، در حالی که پیشاپیش آن والی و داروغه دستار بر سر و جبّه بر تن به همراه گروه طبالین با طبل و شیپورها بود، به حرکت درآمد. در پس این گروه کتخدا و یارانش در حالی که در برابر او بیش از دویست تن از سربازان بنی‌چری؟؟؟ مسلمان و تعداد بیشتری از سربازان رومی مسیحی سلاح به دست و گروهی از مستحفظان نقابدار قرار داشتند، و پس از آن دسته‌جاتی از درباریان و در پی آنان جمعی از کارمندان ناظر بر جامه کعبه که تحت فرمان مصطفی کتخدا پاشا می‌باشند، و سرانجام دسته‌جات منظم سربازان ترکی بودند.»

سپس جبرتی خود از تشکیل چنین کاروانی، که در آن وضعیت از نژادها و مذاهب گوناگون شرکت جستند، اظهار شگفتی نموده، می‌گوید:

«این کاروان یکی از نادرترین و شگفت‌ترین کاروان‌ها در نوع خود به‌شمار می‌آید؛ زیرا در آن از نژادهای گوناگون، رنگ‌های مختلف و ادیان متفاوت شرکت کردند و در تمامی افراد یادشده اختلاف فرهنگی فراوانی دیده می‌شدند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت اجتماع اضداد و جمع عجایب مخلوقات به‌شمار می‌آید.»^{۱۰}

«جبرتی» پس از آن اشاره به خروج کاروان محمل از قاهره در شوال سال ۱۲۱۳ ه. ق. که جامه و خزانه کاروان همراه آن بود، می‌گوید: لیکن محمل نتوانست سفر خویش را به سرزمین‌های مقدس ادامه دهد؛ زیرا هنگامی که محمل به استان «الشرقیه» رسید. امیرالحاج «مصطفی بک» به همراه عرب‌های شورشی آن دیار، بر علیه فرانسویان متجاوز، وارد عمل شد و به سوی دهکده‌های وقفی در دو استان «الشرقیه» و «الدقهلیه» حرکت کرد و درآمدهای

آن را در اختیار خود گرفت. شورشیان عرب آنگاه کشتی‌ها و قایق‌هایی را که در رود نیل حرکت می‌کردند و مواد غذایی را به فرانسویان ساکن در «دمیاط» می‌رساندند، از حرکت بازداشتند و همه را تصرف کردند. در این هنگام بود که فرانسویان فرمان بازداشت و دستگیری «مصطفی‌بک»، امیرالحاج را صادر کرد و کاروان محمل به همراه جامه به سوی قاهره بازگردانده شد. فرانسویان ناظر جدیدی به نام سید اسماعیل الخشاب را بر جامه قرار دادند، لیکن با تمامی این احوال، در آن سال جامه از مصر به کعبه مشرفه ارسال نگردید. و این برای نخستین بار در طول قرون گذشته بود. جبرتی خود در این باره می‌گوید:

«در سال ۱۲۱۳ ه.ق. به دلیل حوادثی که در آن رخ داد، سفر حج از مصر قطع گردید و جامه و خزانه^{۱۱} برای اولین بار به سوی دیار مقدس ارسال نشد و این حادثه‌ای بود که نظیرش در این قرن‌ها و در دولت عثمانی دیده و شنیده نشده بود.»^{۱۲}

در سال ۱۲۱۴ ه.ق. نیز کاروان حج مصری حرکت نکرد و در نتیجه جامه نیز در آن سال از مصر نرسید.^{۱۳}

اما در سال ۱۲۱۵ ه.ق. فرانسویان نسبت به جامه کعبه مشرفه توجه ویژه‌ای از خود نشان دادند. این مطلب به‌هنگام دوران ژنرال مینو صورت گرفت و نامبرده تظاهر به مسلمانی کرد و نام خود را به «عبدالله ژاک مینو» تغییر داد و با بانوی مسلمانی ازدواج کرد. مینو در آغاز درخواست نمود جامه کعبه را که در «مسجدالحسین (علیه السلام)» مدت زمانی به صورت تاخورد به امانت سپرده شده بود و در معرض رطوبت هوا و بارانی که از سقف بر آن ریزش می‌نمود، بازرسی نمایند. و فرمان داد که جامه را از هرگونه نقص و اشکال خارج سازند و آماده ارسال به مکه مکرمه و پوشش بر روی کعبه مشرفه سازند. این جامه به‌دست «مصطفی آغاکنخدایاشا» ساخته شد و «اسماعیل الخشاب» به‌عنوان ناظر بر اتمام کار آن، در سال ۱۲۱۳ ه.ق. بود و همانطور که پیشتر اشاره شد بر اثر مشکلات پیش آمده در آن سال، به مکه فرستاده نشد.

مجلس مردمی مصر در تاریخ سه‌شنبه پنجم ماه رمضان سال ۱۲۱۵ ه.ق. تشکیل جلسه داد و نمایندگان درخواست ژنرال «مینو» را در آن مطرح ساختند. آنان برای این‌کار روز پنج‌شنبه، هفتم ماه رمضان را برای بازرسی جامه کعبه تعیین کردند و سپس فرمان اصلاح جامه و ارسال آن به کعبه مشرفه را به‌نام بزرگ فرانسویان در آن سال قرائت نمودند. در روز

پنج‌شنبه معین شده، نماینده مجلس و بزرگان آن، راهی «مسجدالحسین علیه السلام» شدند و در آنجا به گروهی از سربازان فرانسوی (فرستادگان مینو) که بدین منظور آمده بودند، برخوردند. لیکن به علت ازدحام و شلوغی فراوانی که مردم در روز ماه رمضان که در مسجد گردآمده بودند، نتوانستند به درون مسجد رفته و کار را به انجام رسانند. بنابراین، برنامه را به روز پنجشنبه چهاردهم رمضان به تعویق انداختند. در روز یادشده، پس از گستردن و بازکردن جامه، برخی از آسیب‌ها و نقایص را در آن مشاهده کردند و دستور دادند تمامی آن آسیب‌ها برطرف گردد و مبلغی را نیز به عنوان هزینه در اختیار گذاشتند.

جبرتی درباره بازکردن جامه این‌گونه شرح می‌دهد:

«وقتی که روز پنج‌شنبه چهاردهم رمضان فرارسید، «استوفو» خزانه‌دار رسمی ملت و «فوریه» نماینده مجلس به همراه برخی از بزرگان و قاضی و آغا و والی و حسابدار، پس از آنکه مسجد را از مردم تهی کردند، به درون آن وارد شدند. کارگزاران جامه که احضار شده بودند، بندهای جامه را گشودند و آن را بازرسی کردند. آنان در این بازرسی، برخی آسیب‌ها را مشاهده کردند و دستور اصلاح و ترمیم آن را صادر نمودند و بدین منظور، مبلغ سه هزار درهم نقره به تصویب رسانیدند و همچنین مبلغ هزار و پانصد سکه نقره به عنوان دستمزد برای کارگران و ترمیم‌کنندگان جامه تعیین نمودند. مبلغ هزار و پانصد سکه نقره نیز در اختیار خادمان ضریح مسجدالحسین علیه السلام قرار دادند. از آن پس، همگی سواره به سوی خانه‌های خویش حرکت کرده و جامه را پس از اصلاح و ترمیم، مجدداً بستند و در جایگاه اصلی خویش قرار دادند.»^{۱۴}

لیکن باتمام این خصوصیات، جبرتی از ارسال آن جامه هیچ‌گونه سخنی به میان نیاورده است. همچنانکه اینجانب به هیچ‌گونه اشاره تاریخی نسبت به خروج کاروان محمل و یا ارسال جامه به مکه مکرمه در آن سال، (۱۲۱۵ ه. ق.) برخورد نکردم.

خروج فرانسویان از مصر و ارسال مجدد جامه از آن دیار

از گفته‌های پیش روشن می‌شود که ارسال جامه کعبه در سال‌های سه‌گانه ۱۲۱۳، ۱۲۱۴ و ۱۲۱۵ ه. ق. به علت لشکرکشی فرانسویان به مصر و تصرف این کشور، متوقف شد، لیکن

چنین به نظر نمی‌رسد که کعبه در سال‌های یادشده عاری از جامه باشد؛ زیرا دولت عثمانیان، که در آن هنگام دارای قدرت و بزرگی بر سرزمین‌های مقدسه بود، خود عهده‌دار ارسال جامه گردید. و به نظر می‌رسد که آنان جامه را پس از ساختن در آستانه به همراه کاروان محمل شامی به سوی این دیار فرستادند.

دولت عثمانی در ماه ربیع‌الثانی سال ۱۲۱۶ ه. ق. - و این تاریخ همان زمانی است که فرانسویان از مصر خارج گردیدند - اقدام به ارسال محمل مصری نمود. گفتنی است که تا آن زمان در شهر قدس به ودیعت نهاده شده بود و به علت آغاز حمله فرانسویان به مصر، نتوانسته بودند آن را بازگردانند.

محمل به همراه سلیمان آغا و برخی از امیران که از شام حرکت کرده بودند، به قاهره وارد گردید. قاهره با ورود محمل، جشن عظیمی را برپا کرد.^{۱۵} و در ماه جمادی‌الثانی - یعنی زمانی کمتر از دو ماه پس از خروج فرانسویان از مصر - جامه نوینی که در آستانه بافته شده بود، به قاهره وارد شد. سلطان عثمانی وقتی از خروج فرانسویان از مصر آگاهی یافت، فرمان داد جامه یادشده را به سرعت آماده ساخته، از راه دریا به مصر و سپس به مکه مکرمه ارسال نمایند. جامه، طی یازده روز به اسکندریه وارد شد و مصریان با خوشحالی و سرور فراوانی از آن استقبال کردند. بی‌شک این کار برای سلطان عثمانی پایان دوران غصه و گرفتاری بود و مردم به خاطر خروج فرانسویان از مصر، با خوشحالی به درگاه پروردگار شکرگزاری کردند.

جبرتی ماجرای ورود آن جامه به مصر و خوشحالی و پایکوبی مردم برای آن را توصیف کرده، می‌نویسد:

«مردم از قضیه ورود جامه از سوی حضرت سلطان آگاه شدند. پس هنگامی که روز چهارشنبه ۱۹ جمادی‌الثانی سال ۱۲۱۶ ه. ق. فرارسید، همراهان و خادمان جامه، به همراه بزرگ خود حاضر شده و حرکت کاروان جامه را در روز پنج‌شنبه اعلام کردند. روز پنج‌شنبه که فرارسید، اعیان و بزرگان و درجه‌داران و «عثمان کتخدا»، که نامزد امیرالصاحی بود، به همراه تعدادی از گروه‌بان‌ها و سربازان و قاضی و نماینده اشرف و بزرگانی از فقها گرد آمده و همگی رو به سوی «بولاق» نهاده و جامه را در پیش روی خود قرار دادند. آنان اجزای مختلف جامه کعبه از کمربندها و نیز پرده‌دَر

کعبه و مقام حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام همه را مشاهده نمودند. تمامی آنها به وسیله گلدوزی‌های عالی و نوشته‌های برجسته و متینی آذین گردیده بود سایر قسمت‌های جامه در صندوق‌های زیبایی بسته‌بندی شده که روی آنها را با پارچه‌ای از نوع ماهوت سبز پوشانیده بودند. مردم با دیدن آن، احساس خوشحالی و سرور کردند و آن روز لحظات فراموش نشدنی برای آنان بود. گروهی که با جامه همراه بودند، خبر دادند وقتی که خبر فتح مصر (خروج فرانسویان) به آستانه رسید، سلطان فرمان داد که جامه را تهیه نمایند که طی سی روز جامه مهیا گردید. سپس نامبرده دستور داد آن را شبانه حمل کنند که در آن هنگام باد مخالف جهت حرکت کاروان بود. هنگامی که اسکله‌ها را پشت سر گذاشتیم با عنایت پروردگار یاد ملایم شد و در مدت یازده روز آن را به اسکندریه رساندیم.^{۱۶}

این جامه در موسم آن سال (۱۲۱۶ ه. ق.) طبق عادت همه‌ساله، در ماه شوال به همراه کاروان محمل و خزانه، به سوی مکه به حرکت درآمد که در آن سال، امیرالحاج عثمان بک کتخدا بود.^{۱۷}

از آن پس تا سال ۱۲۲۱ ه. ق. مصر همچنان طبق سنت همه ساله، جامه کعبه را ارسال می‌کرد. در سال یادشده، طبق معمول، کاروان محمل به همراه جامه به حرکت درآمد و هنگامی که به مکه رسیدند، امیر سعودبزرگ - رهبر جنبش سلفی‌ها - بساط قدرت خویش را بر حجاز گسترده بود، نامبرده با امیر محمل مصری برخورد تندی کرد و او را نسبت به اشاعه بدعت‌هایی نظیر طبل زدن و همراهی گروه موزیک با کاروان حج، مورد سرزنش شدید قرار داد و تأکید کرد که از این پس از ورود چنین کاروانی در سال‌های بعد جلوگیری به عمل خواهد آورد. او چنین آورده است:

«در سال بعد دیگر این‌گونه به حج سفر نکن و در صورتی که بیایی همه را به آتش خواهم کشید».^{۱۸}

این برخورد موجب شد که مصر از ارسال جامه بیرونی کعبه خودداری کند، پس امیر سعود جامه‌ای از خز سرخ را بر کعبه آویخت که پس از آن جامه کعبه را با دیباچ جایگزین نمود. امیر سعود در این پوشش، دیواره و پرده در کعبه را از ابریشم سرخ گلدوزی شده

به وسیله طلا و نقره آذین نمود.

هنگامی که پس از آن مجدداً دولت عثمانی قدرت خویش را بر حجاز باز یافت مصر دوباره همانند پیش ارسال جامه برونی کعبه را آغاز نمود.^{۱۹}

• پی‌نوشتها:

- ۱- قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۱۲۸
- ۲- ابن ایاس که گفته است: «و کسوة لضریح سیدنا ابراهیم الخلیل»، اشتباهی است از سوی وی؛ زیرا «جامه مقام ابراهیم خلیل» صحیح است. این مقام در برابر کعبه مشرفه و در جوار چاه زمزم می‌باشد که همواره با جامه‌ای زیبا پوشانیده می‌شده است، اما مرقد حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در شهر الخلیل، در فلسطین است.
- ۳- ابن ایاس، بدائع الزهور...، ج ۵، ص ۲۰۵
- ۴- نک: ابن ایاس، بدائع الزهور...، ج ۵، صص ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۸ و ۲۱۹
- ۵- قطب‌الدین حنفی، الاعلام...، صص ۷۰ و ۷۱
- ۶- شرح نامها و موقعیت دهکده‌های یاد شده و تقسیم‌بندی تبعیت آنها از استان‌های مختلف، به نقل از یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۵۸
- ۷- نک: وقف‌نامه جامه کعبه که از سوی سلطان سلیمان قانونی وقف گردیده است.
- ۸- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۸
- ۹- محمد طاهر کردی، تاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰۳
- ۱۰- الجبرتی، عجائب الآثار فی التراجم والأخبار، تحقیق اساتید محترم حسن محمد جوهر، عمر الدسوقی، سید ابراهیم سالم، چاپ اول، لجنة البیان العربی، قاهره، ۱۳۸۶ هـ. ق. = ۱۹۹۶ م، ج ۵، صص ۲۷ و ۲۸
- ۱۱- از دیرباز، سنت بر این بود که دولت مصر، مبلغی را به عنوان حقوق سالیانه به اشراف و اعراب و اهالی مکه و مدینه می‌پرداخت. این مبلغ که همواره از سوی کمیته‌ای در وزارت مالیه مصر تعیین می‌گردید، هر سال کم و زیاد شده و طی شهادت‌نامه شرعی، در حضور امیرالحاج و وزیر مالی و گروهی از صرافان در اختیار شخصی به نام خزانه‌دار کاروان قرار داده می‌شد. حقوق یادشده در مکه و مدینه و گاه به بعضی از قبایل میان راه برای جلب محبت و دوستی آنان و مصون بودن از آزار و اذیت و دزدی آن قبایل، طبق



دفتری که در اختیار داشت و نام و حقوق هر فرد در آن مشخص بود، پس از تأیید خزانه‌دار و امیرالحاج و

منشی اول خزانه، به آنان پرداخت می‌گردید، «مترجم».

۱۲- جبرتی، عجائب الآثار و...، ج ۵، صص ۳۴-۴۹

۱۳- جبرتی، عجائب الآثار و...، ج ۵، ص ۱۴۰

۱۴- نک: جبرتی، مصدر پیشین، ج ۵، صص ۲۰۴ و ۲۰۵

۱۵- جبرتی، ج ۵، صص ۱۴۰، ۳۰۲ و ۳۰۳

۱۶- جبرتی، مصدر سابق، ج ۵، ص ۳۱۳

۱۷- جبرتی، مصدر سابق، ج ۵، ص ۳۲۹

۱۸- جبرتی، عجائب الآثار فی التراجم و الاخبار، ج ۶، صص ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۶۳

۱۹- آزرقی، اخبار مکه، ج ۱، پاورقی، ص ۲۸۵